



معلمان تبریز
در گفت‌وگویی صمیمی
با رشد معلم از
دغدغه‌هایشان
می‌گویند

جای خالی «نظام معلمی»

نصرالله دادار

عکاس: پیمان حامدی بهتاش

تبریز شهر پیشگام در آموزش نوین ایران است. این بار رشد معلم مهمان معلمان این شهر است. مشکلات و دغدغه‌های معلمان موضوعی بود که در گفت‌وگویی صمیمی با این معلمان به بحث گذاشته شد. توجه به شأن و شخصیت معلم، ورود آسان افراد غیرمتخصص به حیطه معلمی، نیاز به وجود نظام معلمی مستقل و عشق به معلمی که باعث شده تا مشکلات نظام آموزشی دیده نشوند، از جمله نکاتی بودند که این معلمان به آن‌ها اشاره کردند.

معلمان هستند، شکاف بسیار عمیق و فاصله‌داری وجود دارد و هیچ‌کدام درک درستی از یکدیگر نداریم. همچنین، ما به شدت به نظامی مانند نظام پزشکی و نظام مهندسی برای معلمان نیاز داریم که مستقل باشد. معلمان در این نظام دستشان باز باشد و ساختار و تشکیلاتی داشته باشند. در این صورت خودشان می‌توانند خیلی کارها را انجام دهند و مشکلاتشان را حل کنند.

■ **ژیلا توتونچی، سرگروه شیمی، ناحیه ۱ تبریز:**
دغدغه اصلی من مجلات تخصصی رشد است. در این مجلات برخی افراد مشخص به صورت دائمی و تکراری مقاله‌هایی منتشر می‌کنند. این موضوع همکاران را از ارسال مقالاتشان برای مجلات دلسرد می‌کند. گاهی همکاران ما مقالاتی را می‌فرستند، اما حتی بعد از دو سال خبری از مقاله‌شان نمی‌شود، ولی برخی افراد در هر شماره چند مقاله دارند.

■ **کاظم صباغی، دبیر ریاضی ناحیه ۱ تبریز:**
یکی از مواردی که باعث می‌شود سازمانی پویا و زنده باشد، مانند کاری که در سیستم بانکی انجام می‌دهند، آن است که مدیران را در فاصله‌های زمانی کوتاه تغییر می‌دهند و نمی‌گذارند یک مدیر بیش از سه تا چهار سال در یک جا بماند. سیستم شایسته‌سالاری هم حاکم است. یعنی کسی که وارد سیستم بانکی می‌شود، از تحویل‌داری شروع می‌کند و بسته به قابلیت خودش، به ریاست بانک یا ناحیه هم می‌رسد. ولی در آموزش و پرورش چنین چیزی نیست. اگر در مدرسه‌ها چنین طرحی پیاده شود که یک مدیر بیش از پنج سال در یک مدرسه مدیریت نکند، پویایی مدرسه‌ها دوجندان می‌شود. یکی دیگر از مشکلات ما این است که بعضی مدیران مناطق و نواحی، از معلمی، کلاس، آموزش و پرورش درک درستی ندارند. الان بین نظام مدیریتی آموزش و پرورش و خط مقدمش که

نوشین باقری
موسوی: یکی از
دغدغه‌ها این است
که آموزش و پرورش
موقعیت باثباتی
ندارد

■ داوود حسن پور، دبیر فیزیک ناحیه ۳ تبریز:

به نظر من بزرگ‌ترین مشکل عشق معلمی است. شاید اگر این عشق کمی کم‌رنگ می‌شد، اشکالات سیستم جایی بروز پیدا می‌کرد و مطمئناً تا به حال به آن رسیدگی شده بود. معمولاً سیستم به گونه‌ای است که تا وقتی معلم با کمترین حقوق و امکانات و با همان عشق معلمی کارش را درست انجام می‌دهد، مشکل دیده نمی‌شود. البته طرفدار این نیستیم که کم‌فروشی شود تا مشکل ایجاد شود، بلکه باید حق تعهد را به جا

بیاوریم.

در مورد درس فیزیک بارها گفتیم که حجم کتاب زیاد است. یا ساعات را افزایش دهید و یا حجم کتاب را کم کنید. گفتند ساعت درس مصوب است و امکان تغییرش نیست. اما در نهایت ساعت را کم کردند و حجم کتاب را هم ظاهراً کم کردند. البته چند شکل به کتاب اضافه شده است که خود به چند جلسه ساعت درسی نیاز دارد. درس‌هایی مانند سواد رسانه‌ای و مهارت‌های زندگی هم به درس‌ها اضافه شدند که واقعاً لازم بودند، اما در نهایت خودخوان شدند.

■ نوشین باقری موسوی، دبیر ریاضی ناحیه ۴ تبریز:
یکی از دغدغه‌های ما این است که آموزش و پرورش موقعیت باثباتی ندارد. هر وزیری که می‌آید، سیستم را به دلخواه خود تغییر می‌دهد. ما یک شب متوجه شدیم کلاس ششم برقرار می‌شود. اکنون هم دانش‌آموزان دوازدهم با کتاب‌هایی درس خوانده‌اند که در یک سال و با اشکالات زیاد تألیف شده‌اند و معلمانی به آن‌ها تدریس کرده‌اند که با روش تدریس این کتاب‌ها آشنا نبوده‌اند. این کتاب‌ها در ابتدا باید به صورت آزمایشی تدریس می‌شدند و بعد در اختیار همه همکاران

دسترسی به مجلات رشد هم موضوع مهمی است. ما قبلاً خیلی راحت‌تر به مجلات دسترسی داشتیم، ولی حالا خیلی سخت شده است. به نظر می‌رسد ارتباط محتوای مجله با مطالب کتاب باید بیشتر شود؛ به خصوص که کتاب‌ها تغییر کرده‌اند و معلمان به دنبال هماهنگ شدن با این تغییرات هستند. اگر درباره ارزشیابی، طرح درس ملی یا موارد جدید کتاب‌ها مطالبی در رندهای تخصصی مطرح شوند، همکاران رغبت بیشتری به خواندن آن‌ها پیدا می‌کنند.

■ فریبا مرسلی: عضو گروه شیمی استان، سرگروه آزمایشگاه و علوم استان و دبیر شیمی:

من دغدغه‌ام را با یک سؤال مطرح می‌کنم. چرا معلمان نمی‌توانند پزشک شوند؛ چون رشته تحصیلی‌شان پزشکی نیست. همان‌طور که معلمان نمی‌توانند ناظر ساختمان باشند، چون مهندس نیستند. حال چگونه است که هرکسی می‌تواند معلم شود؟ معتقدم باید به حال‌شان و شخصیت معلم فکری بشود.

ما معلمان زیادی داریم که حداقل رشته تحصیلی‌شان با آنچه تدریس می‌کنند یکی است و برخی هم که گرایش دبیری خوانده‌اند، دوره‌هایی را گذرانده و تجربه و مطالعه داشته‌اند. اما در مدرسه‌ها، به منظور کاهش هزینه‌ها، معلمانی را به کار می‌گیرند که حتی مدرک تحصیلی مرتبط ندارند. این باعث می‌شود معلمان و به‌ویژه آقایان، سراغ کلاس‌های آموزشگاهی بروند. در نتیجه، همان مافیایی به وجود می‌آید که اجازه نمی‌دهد کنکور حذف شود. باید روی شخصیت، تحصیلات و رشته و شأن معلمی انگشت بگذاریم و به آن بها دهیم.

افسانه امید آذری:
معلمان در جلسات
گوناگون مشکلاتشان
را گفته‌اند، اما در
نهایت گوش شنوایی
نیست

جلسات گوناگون مشکلاتشان را گفته‌اند. ما به مسئولان استان و آن‌ها به وزارتخانه گفته‌اند، اما در نهایت گوش شنوایی نیست. من در گروه‌هایی که تشکیل می‌دهیم، خجالت می‌کشم از معلمان پرسیم مشکلاتتان چیست؟ چون برای حل آن‌ها کاری از دستم بر نمی‌آید. من دیگر این سؤال را خوشایند نمی‌بینم. کاش هیچ‌کس دیگر این سؤال را نپرسد، چون همه می‌دانند دغدغه ما چیست. در نبود معیشت مناسب، همکاران ما دچار مشکلاتی می‌شوند. به‌خصوص همکاران هم‌رشته‌ای ما، حتماً کلاس خصوصی برگزار می‌کنند. برخی درس را تمام و کمال ارائه نمی‌دهند تا حتماً کلاس جنبی داشته باشند.

■ نیلوفر عابدین‌پور، دبیر جامعه‌شناسی و سرگروه مطالعات اجتماعی:

من به‌عنوان معلم، برای دانش‌آموزانی که در این سیستم درس می‌خوانند دلم می‌سوزد؛ بچه‌هایی که به دلیل کمبود معلم، مدیر به ایشان تدریس می‌کند؛ مثلاً در درس‌های هنر و تربیت‌بدنی. در حالی که هنر یکی از ارزشمندترین درس‌هاست، ببینید با چه دیدی به این درس نگاه می‌کنیم! مدیر پر مشغله تخصصی در هنر ندارد که به دانش‌آموزان هنر بیاموزد. یا از معاون می‌خواهند درس تربیت‌بدنی را ارائه کند که یکی از اساسی‌ترین درس‌هاست. از چنین نظامی بیش از این چه انتظاری می‌توان داشت؟ یکی دیگر از دغدغه‌ها این است که معمولاً کسی را به‌عنوان مدیر انتخاب می‌کنند که دو سال به بازنشستگی‌اش مانده است، تا با حقوق بیشتر بازنشسته شود.



قرار می‌گرفتند. متأسفانه انجام نشدن این کار باعث شد دانش‌آموزانی که امسال پایه دوازدهم هستند، با کتاب‌های غلط درس بخوانند تا در سال‌های بعد کتاب‌ها تصحیح شوند.

■ مرضیه قصابی، سرگروه علوم:

من فکر می‌کنم زمانی شأن معلمی پایین آمد که از بالا به دید بدی به معلمان نگاه شد. پدران ما در زمان قدیم، اگر می‌خواستند شهرداری را انتخاب کنند، سراغ جامعه فرهنگی می‌رفتند. اما اکنون برای انتخابات از معلمان استفاده می‌کنیم. تا زمانی که مسئولان دید خوبی نسبت به معلمان نداشته باشند، اتفاقی نمی‌افتد. این نگاه در دانش‌آموز و خانواده‌ها هم هست. چرا معلم باید در کلاس کتک بخورد؟ این برمی‌گردد به نگاهی که در آن خانواده بر معلم حاکم است.

در مورد دغدغه‌های دبیران علوم، یکی از گلایه‌های همکاران، تقلیل ساعت علوم بود. ما هفت سال است که این موضوع را می‌گوییم، اما تغییری حاصل نشده است. حجم کتاب‌ها را کم کردند، اما در آن‌ها از تصویرهایی استفاده می‌کنند که توضیح هر کدام یکی دو ساعت وقت لازم دارد. اگر هم راجع به تصویرها صحبت نکنیم، دانش‌آموز فکر می‌کند معلم کم‌سواد است و در نتیجه به سمت کلاس‌های آموزشگاهی می‌رود. بنابراین، ناچاریم کلاس‌های فوق‌برنامه برگزار کنیم یا از کلاس‌های دیگر زمان بگیریم تا بتوانیم کمبود زمان را جبران کنیم.

■ افسانه امید آذری،

عضو گروه ریاضی
دوره متوسطه اول

استان، ناحیه ۵ تبریز:
دغدغه اصلی معلمان

این است که همواره فقط از آن‌ها سؤال می‌شود

دغدغه شما چیست؟ ولی

کمتر به آن‌ها رسیدگی شده است. معلمان بارها و بارها در